

آیت الله جوادی آملی:

حضور گسترده مردم در صحنه نشانه‌ای از آیات الهی است



آیت‌الله عبدالله جوادی آملی از مراجع تقلید در پیامی با اشاره به رخداد‌های اخیر منطقه و حضور مردم در صحنه، این حضور گسترده را نشانه‌ای از آیات الهی دانست و تأکید کرد: باید این بزرگواری که مردان و زنان ایران اسلامی در این مدت آفریده‌اند، شناخته، تقدیر، تشویق و در تاریخ ثبت شود.

این مرجع تقلید با تأکید بر دفاع از وطن و اهمیت مسئولیت‌پذیری اجتماعی، گفت: هیچ‌کس این قدرت را نداشت و ندارد که این دل‌ها را این‌گونه مسلط کند که خود را موظف بدانند در شرایط مختلف آب و هوایی، شب‌ها، در باران و سرما حضور داشته باشند و رزمندگان و مبارزان و ایران را با نوا و شعارهای خود که «ایران وطن ماست، پرچم کفن ماست» تقویت و پشتیبانی کنند، اینها «حب‌الوطن» را فهمیدند، اینها فهمیدند که رهبران الهی آمدند و گفتند که مواظب آب و خاک باشید و هوای وطن‌تان را داشته باشید تا بیگانه جسارت نکند، وطن‌داری، وطن‌دوستی در راه دین، کاری است که اهل بیت عصمت و طهارت به ما آموختند.

ایشان در بخش دیگری از پیام خود به میراث تاریخی ملت ایران اشاره کرده و جایگاه فرهنگی، تمدنی و هویتی این سرزمین را یادآور شد و ابراز داشت: مردم ایران بزرگند، این زن‌ها، این بچه‌ها، همه بزرگند، و ما به این بزرگی افتخار می‌کنیم و این را وظیفه خود می‌دانیم، فخر کردن غیر از تکبر است، مآثر گدشتگان را عظمت و جلال و شکوه نیاکان را حفظ کردن این تکبر نیست این با خضوع همراه است، این کار را باید بکنیم، ما تاریخ داریم جغرافیا داریم اما آمریکا تاریخ ندارد، شما سرتاسر آمریکا را بشکافید یک اثر باستانی هنری پیدا نمی‌کنید اما هر گوشه ایران را بشکافید اثر هنری باستانی فرهنگی علمی نشان دارد.

■ ■ ■

رئیس قوه قضاییه:

تااید داغدار

شهدای خردسال میناب هستیم

رئیس دستگاه قضا در فضای مجازی نوشت: ملت ایران هیچ‌گاه یاد و نام شهدای حمله به مدرسه شجره طویه میناب را فراموش نخواهد کرد و گرد زمان، غبار فراموشی بر حافظه ما نخواهد افکند.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی‌اژه‌ای در ادامه حساب کاربری خود در شبکه ایکس افزود: تا ابد داغدار شهدای خردسال میناب هستیم. ما محال است یاد «ماکان نصیری» عزیز را فراموش کنیم؛ همان تنها شهید مفقودالامر مدرسه میناب را.

رئیس عدلیه افزود: بعثت خون در میناب، تا ابدالدهر با جان ما عجین است و عطر ماندگار پیچیده در کشور ما، حاصل مرگ گل‌های سرخ‌مان است؛ گل‌های سرخی، چون ماکان عزیز که نشکفته، پریز شدند.

رئیس قوه قضاییه در پایان این پیام با اشاره به بخشی از آیه ۴۷ سوره روم که بر انتقام از کافران بدکار،

و بر نصرت و یاری اهل ایمان توسط خداوند متعال سخن می‌گوید، هشدار داد که جانباں آمریکایی و صهیونیستی که در به شهادت رساندن ایرانیان نقش داشتند، بدانند که دست انتقام بر گردن‌شان فرود می‌آید.

■ ■ ■

آغاز تور منطقه‌ای عراقچی

وزیر امور خارجه ایران از شب گذشته سفری دوره‌ای به پاکستان، عمان و روسیه را آغاز کرده است. سیدعباس عراقچی از شامگاه روز گذشته توری منطقه‌ای را کلید زد و در مرحله اول به اسلام‌آباد رفت. مسقط و مسکو مقاصد دیگر رئیس دستگاه دیپلماسی ایران عنوان شده است. هدف از این سفر رایزنی‌های دوجانبه، بحث و گفت‌وگو درباره تحولات جاری در منطقه و همچنین آخرین وضعیت جنگ تحمیلی ایالات متحده و رژیم اسرائیل علیه ایران است.

سرن قوا در پیام‌هایی جداگانه اما مشترک بر اتحاد آهنین خود با ملت و رهبری انقلاب برای پیشیمان کردن دشمن متجاوز هم‌قسم شدند

همصدایی ملی علیه دشمن



در چنین شرایطی، «جنگ ادراکی» و «عملیات شناختی» به عنوان ابزارهای اصلی وارد میدان می‌شوند. در این نوع جنگ، تغییر ادراک، ایجاد تردید و تضعیف اعتماد عمومی است. اظهارات اخیر ترامپ درباره وجود اختلاف میان «تندروها» و «میانه‌روها» را باید دقیق‌ادر همین چارچوب تحلیل کرد؛ تلاشی برای ساختن تصویری که بتواند به‌تدریج ذهن مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد.

در واقع، آنچه اکنون در جریان است؛ جنگ روایت‌هاست؛ جنگی که در آن واقعیت نه آن چیزی است که در میدان رخ می‌دهد، بلکه آن چیزی است که در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد.

بحران درواشتگن: جنگ روایت‌ها علیه ایران

در کنار این عوامل، شرایط داخلی ایالات متحده و شخص ترامپ نیز در تشدید این رویکرد بی تأثیر نیست. کاهش سطح محبوبیت،

فشارهای سیاسی داخلی و اختلاف‌نظر با برخی شرکای بین‌المللی، دولت آمریکا را در موقعیتی قرار داده که نیاز به خلق یک «روایت جایگزین» بیش از گذشته احساس می‌شود اما این

مستولان در شبکه ایکس نوشت: پشتوانه جبهه مقاومت و رزمندگان بدون مرز در جنگ با دشمن آمریکایی-صهیونی اتحاد خیابان و انسجام مسئولان است. سردار اسماعیل قانّی در ادامه افزود: «همان‌ها که می‌گویند همه ما ایرانی و انقلابی هستیم و با اتحاد آهنین ملت و دولت، با تبعیت کامل از رهبر معظم انقلاب متجاوز جایتکار را پیشمان خواهیم کرد. یک خدا، یک رهبر، یک ملت، و یک راه؛ آن‌هم راه پیروزی ایران عزیزتر از جان.»

یادداشت

یعقوب‌نوکلی؛ تحلیلگر مسائل سیاسی

مشترکات شکست آمریکادر طیس واصفهان

هم‌ماجرای طیس وهم‌ماجرای جنگ‌رمضان در حین مذاکرات و وسط گفت‌وگو برای حل مسأله شروع شد. در ماجرای گروگان‌گیری و داستان مربوط به سفارت، دولت آمریکا با دولت وقت ایران در حال مذاکره بود. وزیر خارجه وقت ایران به پاریس رفته بود و با رئیس دفتر کاخ سفید گفت‌وگو و بحث‌های سیاسی و دیپلماتیک در جریان بود. در عین حال آمریکایی‌ها در حال آموزش «نیروی دلتا» در صحرای نوادا بودند که در کتاب «نیروی دلتا» به قلم چارلز بیکوت توضیح داده شده است. در دو جنگ اخیر در تابستان و اسفند سال گذشته هم شاهدیم که حین مذاکرات بین ایران و آمریکا، حملات به ایران شروع و هم در جنگ اول و هم در جنگ جاری موسوم به جنگ رمضان انواع اقدامات تروریستی از جمله به شهادت رساندن رهبر انقلاب و فاجعه حمله و کشتار جعبع مدرسه میناب انجام شد.

باید توجه داشت که این گزاره که «آمریکا از سر استیصال یا باعث کشتار مردم بی‌گناه می‌شود» با واقعیت در تطابق نیست. این ناشی از استیصال نیست؛ این یک شیوه جنگی است در این شیوه این نگاه وجود دارد که اگر مردان نظامی در جنگ کشته شوند، شاید به‌عنوان قهرمانان از آنها تجلیل شود یا ملت‌ها دچار تآثر نشوند. آمریکایی و اسرائیل به دلیل این‌که اراده مردم ما و ملت‌ها را متزلزل کنند، دست به انجام عملیات کثیف می‌زنند و کودکان و فرزندان را می‌کشند و این در مواجهه‌های اسرائیل و آمریکا کاملاً عینی است و قابل انکار نیست. این روش با‌رهادر فلسطین، عراق و افغانستان توسط دو رژیم تروریستی علنی اجرا شده است اما برخلاف آنچه در آن

صهیونی و ناکامی‌های راهبردی ایالات متحده در دست‌یابی به اهداف اولیه و ثانویه در مواجهه با ایران توجّه کرد. واقعیت آن است که واشگتن با راهبردهای مبتنی بر فشار مستقیم چه در قالب تقابل‌های میدانی و چه در چارچوب مذاکرات سیاسی نتوانسته به اهداف مورد نظرش دست یابد. در سطح میدانی، تحولات منطقه‌ای و واکنش‌های مقتدرانه ایران، نشان داد ظرفیت بازآرندگی کشورمان در سطحی قرار دارد که هزینه هرگونه اقدام را برای طرف مقابل به شدت افزایش می‌دهد. در عرصه سیاسی نیز، تلاش برای تحمیل خواسته‌ها در میز مذاکره، نه تنها به نتیجه نرسید، بلکه به تثبیت مواضع ایران انجامید. در این میان، یک واقعیت بیش از پیش خود را نشان داد: قدرت ساختار سیاسی و نظامی ایران، پیوندی عمیق با بدنه اجتماعی دارد. حمایت مردم، حضور در صحنه و سطح بالای تاب‌آوری اجتماعی در برابر فشارها، معادلات را به‌گونه‌ای تغییر داده که ابزارهای سنتی فشار کارایی خود را از دست داده‌اند. همین مؤلفه، به تدریج به نقطه تمرکز راهبرد جدید دشمن تبدیل شد.

در سال ۱۴۰۵ نیز وضع مشابهی وجود دارد: نیروهای مسلح ایران در بالاترین سطح آمادگی برای دفاع از سرزمین و نظام قرار دارند. اگر به فرض متجاوزان در جنوب اصفهان می‌توانستند از خط اول دفاعی ما بگذرند و به مناطق دیگر نفوذ می‌کردند، در مواجهه با سایر خطوط نیروهای مسلح ایران شکست‌های سنگین‌تری را تجربه می‌کردند و تلفات بیشتری می‌دادند. با این‌حال در هر دو حادثه، امداد غیبی و عنایت الهی شامل حال مردم ایران شد و عملیات آنها در همان نطفه خفه شد.

اهمیت این شکست‌های آمریکا را زمانی بهتر درمی‌یابیم که نظام سیاسی آمریکا و متحدان آن و حتی دشمنان‌شان پس از غلبه در جنگ جهانی دوم با تهدید و حضور نظامی در مناطق مختلف دستاوردهایی داشتند که آنها را دچار توهّم شکست‌ناپذیری کرده بود. دولت ترامپ هم براساس همین توهّم به ایران حمله کرد، بدون آن‌که شجاعت و روحیه شهادت‌طلبانه رزمندگان و مردم ایران را در نظر بگیرد اما شکست آمریکا در تهاجم به کشور فقط بعد نظامی و سیاسی نداشت بلکه با فرقه‌هم‌شدن فضای لازم برای مدیریت تنگه‌هرمز بُعد اقتصادی هم یافت و فراتر از آن در بعد روایت و رسانه نیز شکست‌های فراوانی را تجربه کرد؛ به‌طوری‌که تولیدات محتوایی ایران در افکار عمومی جهان و حتی خود آمریکا دیده و بر تولیدات نظام رسانه‌ای آمریکا غلبه یافت. به‌طور کلی، شکست‌های آمریکا در عرصه‌های مختلف آشکار است و این کشور دچار سردرگمی و وضعیت بلاتکلیف شده است. این مسأله مورد تأیید مردم جهان و تحلیل‌گران بین‌المللی قرار گرفته و آنها ادعا دارند که آمریکا در این جنگ بازنده اصلی است و چاره‌ای جز پذیرش شکست خود ندارد.

شده بود. زندگی اشرافی و مصرفی که تا ماه‌هایی پیش‌تر همه هوش و حواس مردم را به خود معطوف کرده بود و اگرایی‌های اجتماعی و گسست‌های روانی و شکاف‌های نسلی و اجتماعی، ناگهان دود و محو شد و به‌جای آن همیاری و همبستگی و همسویی و همگرایی نشست. یک هویت‌طلبی گسترده فرآمد و کنش ارتباطی ارتقایافت و تعاملات عاطفی و رفق و وفاق دامنه گرفت. مشارکت عظیم عمومی در انقلاب اسلامی، ظاهر گشت. اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی در مدت کوتاهی ایران گستر گشت و... پیروزی فرارسید. شیطان بزرگ برای نابودی این تحول عظیم و نیروی شگرف جنگ داخلی و کشتار، جنگ خارجی تروریسم و وحشیانه، تحریم و... بر مردم تحمیل کرد تا منع‌کنند و مانع شود این نیروی بزرگ به کار آزادی، استقلال، پیشرفت، دادگستری و عدالت‌طلبی آید و به مرور روحیه نیاگرا، مصرفی، بوروکراتیک، الیگارشیک، آریستوکراتیک قشر ممتاز، اشرافیت رانت‌خوار، باندها، گسست از مستضعفان، غریزدگی و بی‌هویتی‌ جانشین سجایا، خرد، شور، ایمان و مقاومت گردد. دو امام بزرگوار انقلاب اسلامی (ره)، آن توحیدیان غبطه‌انگیز،

وضعیت صرفاً به سطح افکار عمومی محدود نیست؛ نشانه‌های عینی‌تری از یک بی‌ثباتی ساختاری در درون حاکمیت آمریکای نیز قابل مشاهده است.

در ماه‌های اخیر، موجی از تغییرات گسترده در سطوح عالی نظامی و سیاسی ایالات متحده به وقوع پیوسته است؛ تحولاتی که بسیاری از رسانه‌ها و تحلیلگران غربی از آن به عنوان نشانه‌ای از آشفتگی در فرآیند تصمیم‌سازی یاد می‌کنند. براساس گزارش‌های منتشرشده، تنها در یک بازه زمانی کوتاه، دست‌کم ۱۵ مقام ارشد دفاعی از ساختار پنتاگون کنار گذاشته شده یا تحت فشار از موقعیت خود خارج شده‌اند و این روند همچنان ادامه دارد. این تغییرات، که شامل فرماندهان ارشد و مدیران کلیدی نظامی می‌شود، در عمل به ایجاد فضایی از «عدم قطعیت» و «بی‌ثباتی نهادی» در قلب ساختار دفاعی آمریکا انجامیده است.

در سطح کابینه نیز وضعیت تفاوتی ندارد. طی کمتر از دو ماه، سه عضو کابینه ترامپ از سمت‌های خود کنار گذاشته شده‌اند؛ روندی که حتی در فضای سیاسی آمریکای نیز به عنوان یک «سطح بی‌سابقه از جابه‌جایی» مورد توجه قرار گرفته است. این میزان از تغییرات، در کنار سابقه ثبت‌شده از بالاترین نرخ‌گردش نیرو در دولت ترامپ نسبت به رؤسای جمهور پیشین، تصویری از یک ساختار مدیریتی ناپایدار ارائه می‌دهد که بیش از آن‌که بر انسجام تکیه داشته باشد، درگیر تغییرات پی‌درپی و بی‌عوضاتاب زده است.

نمونه اخیر این وضعیت، برکناری وزیر نیروی دریایی آمریکا ست؛ اقدامی که در پی اختلافات داخلی در پنتاگون و کشمکش بر سر راهبردهای نظامی در قبال ایران صورت گرفت و به عنوان آخرین حلقه از زنجیره تغییرات در رأس ساختار دفاعی آمریکا شناخته می‌شود. همزمان، گزارش‌های رسانه‌ای از «تش‌های درونی»، «قایت‌های قدرت» و حتی شکل‌گیری نوعی «ذهنیت سنگری» در میان مقامات پنتاگون حکایت دارد؛ وضعیتی که نشان‌دهنده فشارهای سیاسی و مدیریتی فراینده در این نهاد است.

در این چارچوب، می‌توان اظهارات اخیر ترامپ درباره ایران را بخشی از یک راهبرد جنابلیه دانست؛ راهبردی که در آن، جنگ ادراکی علیه ایران با نیازهای داخلی دولت آمریکا نیز پیوند خورده است. بر همین اساس، می‌توان گفت ورود به فاز جنگ ادراکی علیه ایران، نتیجه مستقیم ناکامی در گزینه‌های دیگر است. وقتی تقابل نظامی بره‌زنی به مذاکره بی‌نتیجه باشد، تمرکز بر ذهن و ادراک جامعه، به گزینه‌ای جذاب تبدیل می‌شود.

با این حال، تجربه نشان داده است که موفقیت این نوع عملیات، بیش از آن‌که به محتوای پیام وابسته باشد، به نحوه مواجهه با آن بستگی دارد. هرجا آگاهی و انسجام حفظ شده، این پروژه‌ها با شکست مواجه شده‌اند. تأکید مکرر مسئولان بر هم‌افزایی، هماهنگی و حرکت در چارچوب منافع ملی نیز دقیقاً در همین راستا قابل ارزیابی است.

در نهایت، آنچه در پیام‌های اخیر برجسته شد، صرفاً یک موضع‌گیری سیاسی نبود، بلکه با تآثر درکی دقیق از ماهیت نبردی است که اکنون جریان دارد؛ نبردی که بیش از هر زمان دیگری، در عرصه ذهن‌ها و ادراکات شکل گرفته و در آن، «وحدت ملی» نه فقط یک شعار، بلکه یک مزیت راهبردی تعیین‌کننده است.

کشورها اتفاق افتاد، به رغم تأثر این ملت تحت عنایت الهی اراده‌ای یولادین به نمایش گذاشت و این روش جواب نداد. در همین راستا وقتی دشمن متوجه ناکارآمدی خود در شکستن اراده ما شد به فکر یک عملیات نفوذ و استخراج اورانیوم افتاد تا دستاوردسازی کرده باشد. دیدیم ماجرای اصفهان پیش آمد و با هوشیاری نیروی انتظامی و مردم و نیروهای ویژه دفاعی کشور و البته الطاف الهی ناکام ماند. در هر دو مورد، با این‌که نیروها و امکانات برابر نبود، در هر دو مورد ما لطف خداوند و امداد الهی را شاهد بودیم و مقهوریت نیروهای نظامی آمریکا در برابر اراده الهی آشکار شد. انتظار درک میانی واقعی قدرت ایران در هیچ کدام از نهادهای امنیتی و اطلاعاتی و نظامی یا حتی نهادهای مطالعاتی و سیاسی نیست و اصرار در این زمینه بی‌فایده است. نسبت مردم و فلسفه انقلاب اسلامی با امام حسین(ع) و عاشورا نه تنها برای آمریکا و اسرائیل بلکه برای آن دسته از روشنفکرانی که با منطق مبتنی بر محاسبات مادی و ظاهری امور را تحلیل می‌کنند و همه کسانی که چشم به دهان آمریکایی‌ها دوخته‌اند، قابل درک نیست. دشمنان این مردم فرزندان همان کسانی هستند که ماجرای آنها در قرآن، سوره بروج آمده است؛ آنها مسیحیانی را که موحد بودند و وقتی حاضر نشدند به یهودیت گرویده شوند، در چاله ریختند و سوزاندند. ممکن است برخی مشاوران ایرانی دستگاه سیاست خارجی آمریکا-که در دانشگاه‌های ایران تحصیل کرده باشند- به آمریکایی‌ها مشاوره بدهند اما آنها هم درک کاملی از مفاهیم معنوی مردم ایران ندارند. چون ایمان ندارند و نمی‌توانند درک کنند. ایمان چیزی است که باید وارد حلقه واقعی آن شد؛ وقتی وارد شوید فضای ایمان و مناسبات الهی مدیریت جهان را آن‌گونه که هست، درک می‌کنید. بیرون از آن، امکان توصیف و تعریف وجود ندارد.

درست در بحبوحه میدان این جنگ باید با نفس سوء و وسوسه شیطان مبارزه کرد. تزکیه جان شرط استقامت در عبودیت است.

دو جریان باید بیش از دیگر گروه‌ها از روح و جان خود مراقبت کنند و از صدق و اخلاص و اتحاد الهی مردم درس بیاموزند؛ اول پاره‌ای از مسئولان و نجبگانی که به سبب خطای فهم و عدم شناخت ماهیت شیطانی قدرت سلطه‌جو و فقدان باور لازم و قوی به هدایت و روشنگری قرآن حکیم درباره طاغوت، ضربه‌های خطرناک می‌پذیرند و ضعف احساس حضور در محضر پروردگار را ناا به جامعه منتقل و در تصمیمات‌شان دخیل می‌کنند و راه‌های شکست را درپیش می‌گیرند و به‌جای قدرت خدا از قدرت فرعون حساب می‌زنند و در مقاومت سست می‌شوند و آن استواری، باور، اعتماد، اتکال و ویژگی‌هایی را که برای مردم برشمرديم از دست می‌دهند. متن کامل رادر «جام جم آنلاین» بخوانید.



متن کامل